Wort des Tages لغتِ روز untergehen

written by مرتضی غلام نژاد | دسامبر 13, 2016

untergehen یک فعل جدا شدنی می باشد
فرو رفتن ، پایین رفتن ، غرق شدن ، غروب کردن ، افول کردن ، سقوط کردن ، نابود شدن ، منهدم شدن ، ناپدید شدن ، محو شدن ، گم شدن

گذشته ساده : gingen unter
گذشته کامل : sind untergegangen

مثال :
.Hast du schon gehört? Im Atlantik ist ein Schiff untergegangen
شنیدی در اقیانوس اطلس یک کشتی غرق شده است؟

Die Sonne ist untergegangen
خورشید غروب کرده است.

Das Schiff ging unter
آن کشتی غرق شد

Die Sonne wird in zwei Stunden untergehen
خورشید تا دو ساعت آینده غروب میکند.
خورشید در دو ساعت آینده غروب میکند.

Als die Titanic einen Eisberg rammte, ging sie unter
وقتی کشتی تایتانیک به یک کوه یخ کوبیده شد ، غرق شد.

Du gehst unter, wenn Du betrunken in den See springst
غرق می شی ، اگر مست بپری توی دریا
فعل untergehen بیشتر با اسامی زیر مورد استفاده قرار میگیرد :

Das Schiff
کشتی
مثلا : یک کشتی دارد غرق می شود.
Ein Schiff geht unter

Die Fahne
پرچم ، بیرق
مثلا : یک پرچم دارد به پایین کشیده می شود.
Eine Fahne geht unter

Die Sonne
خورشید

مثلا : خورشید دارد غروب میکند
Die Sonne geht unter

Das Abendland
مغرب زمین ، اروپا ، نمیه ی غربی جهان
مثلا : غرب دارد نابود می شود.
Das Abendland geht unter

Das Morgenland
مشرق زمین ، آسیا ، نیمه ی شرقی جهان
مثلا : آسیا دارد نابود می شود.
Das Morgenland geht unter
ما می توانیم از فعل untergehen یک اسم نیز بسازیم :
Der Untergang
نابودی ، انهدام ، فروپاشی ، افول یک ستاره ، پایین رفتن خورشید
مثال :
Der Untergang des Ölfrachters
غرق شدن کشتی نفت کش
نابودی کشتی نفت کش

Der Untergang einer Kultur
نابودی یک فرهنگ
انهدام یک فرهنگ

der Untergang eines Volkes

نابودی یک قوم
فروپاشی یک قبیله
فروپاشی یک جامعه

Der Alkohol war sein Untergang
مشروبات الکلی سبب نابودی اون بود
موفق باشید. ?
? Viel Erfolg